

«آرمان ملی» از طرح جدید بانک مرکزی در خصوص کاهش حساب‌های بانکی و... گزارش می‌دهد

گامی در مسیر ساماندهی حساب‌های بانکی



بسیاری از بانک‌ها به رقابت ناسالم در یک حوزه مشغول‌اند و عملاً منابع خود را در رقابت

برای جذب مشتریان یا پروژه‌ها خرج می‌کنند که چیزی جز هدررفت سرمایه

تضعیف قدرت نظارت و افزایش هزینه‌های پنهان نیست

◀ **چالش‌های احتمالی طرح**

او درباره چالش‌های احتمالی این طرح گفت: خطر دیگر، تبدیل بانک‌های تخصصی به ابزار سیاست‌های کوتاه‌مدت دولتی است. اگر مأموریت روشن و چارچوب قانونی شفاف تعریف نشود، ممکن است منابع این بانک‌ها به پروژه‌های ناکارآمد تحمیل شود و در نهایت نارتاری جدیدی در ترازنامه‌ها شکل بگیرد. تجربه نشان داده است که موفقیت بانک‌های توسعه‌ای تنها زمانی پایدار خواهد بود که استقلال عملیاتی، شفافیت مالی و نظام گزارش دهی دقیق داشته باشند. از طرفی، تخصصی‌سازی نیازمند بازآموزی نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اطلاعاتی است. بانکداری بخش محور نیازمند کارشناسانی است که دانش فنی، اقتصادی و مالی عمیقی از همان حوزه داشته باشند. انتقال نیروهای عمومی به چنین ساختاری بدون آمورش و مهارت‌افزایی، خود می‌تواند کارایی نظام بانکی را پایین بیاورد. حسین زاده معتقد است: این مسیر به شکل مرحله‌ای آزمایشی آغاز شود، به عنوان مثال، می‌توان ابتدا در حوزه‌هایی چون مسکن و صادرات، بانک‌های تخصصی یا توسعه‌ای را بازتعریف کرد و پس از بررسی نتایج، این تجربه را به دیگر بخش‌ها تعمیم داد. هم‌زمان باید چارچوب‌های نظارتی بازنگری شود؛ شاخص‌های ارزیابی عملکرد، حدود تمرکز دارایی‌ها، نسبت‌های کفایت سرمایه و گزارش دهی شفاف تعریف گردد تا نظام نظارت نیز با این تغییر همگام شود. البته نباید غافل شد که، اجرای موفق این سیاست نیازمند مجموعه‌ای از پیش شرط‌هاست: تعریف مأموریت روشن برای هر بانک، ایجاد قواعد سخت‌گیرانه برای مدیریت ریسک، فراهم کردن سازوکار همکاری میان بانک‌ها در پروژه‌های بزرگ، و الزام به گزارش دهی شفاف و ارزیابی اثرات اقتصادی فعالیت‌ها. بدون این عناصر، تخصصی‌سازی نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه ممکن است ریسک‌های جدیدی به سیستم بانکی تحمیل کند. اما علیرغم این مشکلات، ضرورت تغییر در ساختار بانک‌ها انکارناپذیر است، چرا که پراکندگی منابع در بانک‌های همه‌کاره، سرمایه ملی را از تمرکز بر پروژه‌های کلیدی بازمی‌دارد و موجب می‌شود سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و زیرساختی کمتر از حد مطلوب باشد. در شرایطی که اقتصاد نیازمند رشد پایدار، توسعه صنایع مولد و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌هاست، بانک‌ها نمی‌توانند هم‌زمان همه نقش‌ها را ایفا کنند. وقت آن رسیده است که هر بانک مأموریت مشخصی داشته باشد و بر اساس آن مأموریت مورد سنجش قرار گیرد. این کارشناس بر توضیح داد: تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که بانک‌های تخصصی و توسعه‌ای می‌توانند با هدایت هدفمند منابع، فضای سرمایه‌گذاری را دگرگون کنند و با پذیرش ریسک‌های حساب‌شده، رشد اقتصادی را شتاب بخشد. این اصلاح ساختاری هرچند دشوار و زمان‌بر است، اما اگر با تدبیر و صافیت همراه شود، می‌تواند گامی تعیین‌کننده در بازگرداندن نقش هدایت‌گرانه نظام بانکی در خدمت تولید و توسعه پایدار باشد.

◀ **بانک‌های تخصصی یا همه‌کاره**

او ادامه داد: نظام بانکی در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه طی سال‌های گذشته به سمت بانک‌های همه‌کاره حرکت کرده است، یعنی بانکی که هم وام خرد می‌دهد، هم پروژه‌های بزرگ را تأمین مالی می‌کند، هم در بازار ارز و مسکن ورود می‌کند و هم به عملیات‌های بین‌بخشی دست می‌زند. این پراکندگی فعالیت در شرایطی که ناظر مالی توانمندی لازم را ندارد و اطلاعات کافی در دسترس نیست، منجر به ناکارآمدی در تخصیص منابع، افزایش ریسک‌های سیستماتیک و کاهش توان هدایت سرمایه به سمت تولید و زیرساخت شده است. از این رو، ایده تخصصی‌سازی بانک‌ها، در سال‌های اخیر به یکی از محورهای مهم بحث‌های سیاستی و کارشناسی بدل شده است. این کارشناس افزود: بانک‌های تخصصی، به دلیل تمرکز بر یک حوزه مشخص مانند کشاورزی، مسکن، صنعت یا صادرات، می‌توانند شناخت عمیق‌تری از نیازها، ریسک‌ها و ویژگی‌های آن بخش به دست آورند، در نتیجه چنین شناختی امکان تصمیم‌گیری دقیق‌تر را فراهم می‌کند و منابع را به سمت پروژه‌هایی هدایت می‌کند که بازده واقعی بالاتری دارند. تجربه جهانی نشان داده است که بانک‌های توسعه‌ای و مأموریتی می‌توانند در پر کردن شکاف‌های بازار، پذیرش ریسک‌های بلندمدت و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی نقش اساسی ایفا کنند.

◀ **مزایای بانک‌های تخصصی**

حسین زاده کاهش موایز کاری و پراکندگی کاری در دراین مسیر را ضرورتی غیرقابل انکار دانست و گفت: افزون بر این، تخصصی‌سازی باعث کاهش موایز کاری میان بانک‌ها می‌شود، در شرایط کنونی، بسیاری از بانک‌ها به رقابت ناسالم در یک حوزه واحد مشغول‌اند و عملاً منابع محدود خود را در رقابت برای جذب همان مشتریان یا پروژه‌ها خرج می‌کنند که در نهایت چیزی جز هدررفت سرمایه، تضعیف قدرت نظارت و افزایش هزینه‌های پنهان نیست، در این راستا، وقتی هر بانک مأموریت مشخصی داشته باشد، نظام اعتباردهی منظم‌تر می‌شود و امکان طراحی مدل‌های سنجش ریسک دقیق‌تر فراهم می‌شود و قطعاً نظارت نیز ساده‌تر خواهد شد، ریزگزارگزار می‌تواند با معیارهایی متناسب با مأموریت هر بانک، عملکرد او را ارزیابی کند. این کارشناس تأکید کرد: البته تخصصی‌شدن بانک‌ها بدون خطر نیست، تمرکز بیش از حد منابع در یک بخش، می‌تواند بانک را در برابر شوک‌های بخشی آسیب‌پذیر کند، بانک تخصصی که عمده پرتفوی خود را در صنعت مسکن قرار می‌دهد، در صورت رکود این بازار به شدت متضرر خواهد شد. از این رو، تدوین قواعد سرمایه‌ای و تعیین سقف تمرکز دارایی‌ها الزامات چنین اصلاحی است. به علاوه هماهنگی بین بانک‌ها اهمیت فراوان دارد، چرا که در بسیاری از پروژه‌های بزرگ، چند بخش اقتصادی درگیر هستند و اگر بانک‌های تخصصی نتوانند سازوکار همکاری و تقسیم‌ریسک را ایجاد کنند، پروژه‌ها تا آخر یا شکست مواجه می‌شوند.

وزیر نفت:

۴۲ درصد سوخت‌گیری‌ها با کارت جایگاه انجام می‌شود

داشت، افزود: تلقی نگارنده متن آیین‌نامه از خودرو نو شماره که روی آن بحث کردیم و در کارگروه و دولت هم بررسی و جمع‌بندی شد، این است که خودروهای صفر کیلومتر، بدون کارکرد که از کارخانه بیرون می‌آیند و نخستین بار شماره می‌شوند، سهمیه ۶۰ و ۱۰۰ لیتر نمی‌گیرند.

پاک‌نژاد ادامه داد: چون بعضاً پرداخت نادرستی به سوخت شخصی همراه تغییر کرده و پلاک تغییر کند به او کارت سوخت و سهمیه تعلق نمی‌گیرد که چنین نیست و فقط شامل خودروهای جدید است.

وی بیان اینکه خودروهای مناطق آزاد، مناطق ویژه و خودروهای وارداتی نیز این سهمیه‌ها را نمی‌گیرند، گفت: با تمهیداتی که در این آیین‌نامه نسبتاً مختصر دیده شده است، یک سیستم یا یک سامانه به نوعی از شرایط جامعه با اجرای این طرح بازخورد می‌گیرد و متناسب با این بازخورد، تصمیمات جدیدی اتخاذ می‌شود.

وزیر نفت بیان کرد: در متن آیین‌نامه

نداشت که کارت سوخت شخصی همراه داشته باشند، زیرا قیمت بنزین ۱۰۰ لیتری ۳۰۰۰ تومانی کارت شخصی با قیمت بنزین در کارت جایگاه یکسان بود؛ از این پس این وضعیت تغییر می‌کند.

پاک‌نژاد با بیان اینکه از این پس تفاوت قیمت بین کارت سوخت شخصی و کارت جایگاه‌ها وجود خواهد داشت، گفت: در سهمیه موجود در کارت سوخت شخصی همراه نباشد، سوخت‌گیری با کارت جایگاه ۵۰۰۰ تومانی محاسبه می‌شود و این یک اصل کلی است. به این ترتیب، سهمیه‌ها هیچ تغییری نکرده‌اند.

وی افزود: یکی از مهمترین اتفاقات در این تغییر این است که بخشی از این افزایش قیمت، مستقیماً متوجه خود دولت است؛ یعنی خودروهای دولتی به‌طور خاص دیگر سهمیه ۶۰ لیتر ۱۵۰۰ تومانی و ۱۰۰ لیتر ۳۰۰۰ تومانی ندارند و باید بنزین ۵۰۰۰ استفاده کنند.

وزیر نفت با اشاره به اینکه خودروهای نو شماره نیز سهمیه ۶۰ و ۱۰۰ لیتر را نخواهند

وزیر نفت با اشاره به مصوبه اخیر دولت در تعیین نرخ سوخت بنزین گفت: مطالعات نشان می‌داد که بیش از ۴۲ درصد سوخت‌گیری‌ها با کارت جایگاه انجام می‌شد چون بسیاری از هموطنان تفاوتی میان قیمت بنزین کارت شخصی و کارت جایگاه احساس نمی‌کردند. محسن پاک‌نژاد در جمع خبرنگاران افزود: همان‌گونه که بارها تأکید کرده‌ام، سوخت موجود در کارت سوخت شخصی خودروها، شامل ۶۰ لیتر با نرخ ۱۵۰۰ تومان و ۱۰۰ لیتر با نرخ سه هزار تومان، تغییری نخواهد کرد و این سهمیه‌ها همچنان برقرار است. وی ادامه داد: آنچه دستخوش تغییر

شده، استفاده از کارت اضطراری سوخت در جایگاه‌هاست که بر اساس آن، قیمت بنزین در کارت سوخت جایگاه‌داران به پنج هزار تومان می‌رسد.

وزیر نفت با اشاره به اینکه بر اساس مطالعات انجام شده بیش از ۴۲ تا ۴۳ درصد سوخت‌گیری در جایگاه‌ها با استفاده از کارت جایگاه بوده است، افزود: برای بخشی از هموطنان عزیزمان دیگر چندان اهمیتی

نشان داده است. این تغییرات در صورتی که در نهایت یکی از نتایج این تعارض توقف‌های طولانی کالار در کمربات بوده است.

◀ **پیشنهادهایی برای خروج از بن بست**

کارشناسان حوزه تجارت و استاندارد معتقدند برای کاهش تنش‌ها باید برخی اقدامات در دستور کار قرار گیرد؛ در این ارستان تشکیل «شورای عالی استاندارد‌های تجاری» می‌تواند کمک‌کننده باشد. شورایی مشترک میان سازمان استاندارد، وزارت صمت، گمرک و تشکل‌های بخش خصوصی که شاخص‌ها، فهرست کالاهای پرخطر و استاندارد‌های اجباری و تسهیل‌شده را تعیین کنند. همچنین یکپارچه سازی سامانه‌ها می‌تواند منجر به ایجاد یک بانک اطلاعات واحد استاندارد شود.

◀ **جمع‌بندی**

اختلاف میان سازمان ملی استاندارد و دستگاه‌های تجاری در موضوع استاندارد کالاهای وارداتی، امروز به یکی از چالش‌های جدی تجارت خارجی کشور تبدیل شده است. این اختلاف‌ها ریشه در فقدان یک متولی واحد، ضعف نظام ارزیابی ریسک و هم‌پوشانی وظایف دارد. نتیجه آن، افزایش زمان ترخیص، رشد قاچاق، افزایش هزینه مبادله و بی‌ثباتی در بازار است. کارشناسان معتقدند تنها با همسوسازی سیاست‌ها، یکپارچه‌سازی ساختارها و پذیرش استانداردهای بین‌المللی می‌توان این بحران را کنترل کرد و مسیر تجارت رسمی را کوتاه، شفاف و پایدار ساخت.

گزارش

دیوار بلند اختلاف میان استاندارد و تجارت

جراکالاهادر گمرک معطل می‌ماند؟

طی سال‌های اخیر، موضوع استاندارد کالاهای وارداتی به یکی از مهم‌ترین محورهای اختلاف میان سازمان ملی استاندارد ایران و دستگاه‌های متولی تجارت خارجی از جمله وزارت صمت، معدن و تجارت و گمرک ایران تبدیل شده است. این اختلاف‌ها نه تنها فرایند تجارت خارجی را با چالش روبه‌رو کرده بلکه موجب افزایش زمان ترخیص، سردرگمی فعالان اقتصادی و رشد هزینه‌های مبادله شده است.

آنچه واضح به نظر می‌رسد این است که استانداردها نه تنها ابزار کنترل کیفیت و ایمنی کالاهادر داخل کشور هستند بلکه کلید ورود به بازارهای جهانی و عامل اعتماد شرکای تجاری بین‌المللی محسوب می‌شوند. با این حال، ضعف در نظارت، ناهماهنگی میان نهاد‌ها و تفاوت‌های فنی با استانداردهای جهانی سبب شده که بخشی از کالاهای ایرانی در مبادلات بین‌المللی با مشکلاتی مواجه و گاهی حتی مرجوع شوند. هم‌زمان در داخل کشور نیز اجرای ناقص استانداردها، موایز کاری نهاد‌ها و ضعف ضمانت اجرا، چالش‌های جدی برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ایجاد کرده و کیفیت واقعی محصولات را تحت تأثیر قرار داده است.

آنطور که فعالان اقتصادی بخش خصوصی این چالش را روایت می‌کنند، دستگاه‌های اجرایی از جمله وزارت بهداشت، سازمان غذا و دارو، دامپزشکی، جهاد کشاورزی، سازمان محیط زیست و برخی سازمان‌های دیگر، دچار موایز کاری با سازمان ملی استاندارد هستند که این مساله بخش خصوصی را دچار سردرگمی کرده که نتیجه آن هدر رفت زمان و افزایش هزینه‌ها بوده است.

رئیس سازمان ملی استاندارد هم در ماه‌های گذشته در نشست‌های مشترکی که با بخش خصوصی داشت اذعان کرده بود: «با توجه به اینکه در بحث استانداردها نسبت به دنیا عقب هستیم، چارهای جز حرکت به سمت مقررات فنی نداریم. بر این اساس بخشی از فرایند نظارت پایش به دستگاه‌های اجرایی واگذار شده و نظارت غالبه را نیز سازمان استاندارد بر عهده خواهد گرفت. روش کار نیز چنین خواهد بود که دیگر نشان استاندارد به صورت اجباری اعطا نمی‌شود و این نشان به صورت تشویقی به کالاهای خدمات ارائه خواهد شد.»

سهم بالای کالاهای وارداتی در بخش‌هایی مثل ماشین‌آلات، قطعات خودرو، لوازم خانگی، مواد اولیه و کالاهای اساسی باعث شده استاندارد این اقلام نقش مهمی در سلامت عمومی و امنیت صنعتی داشته باشد اما در سال‌های اخیر با افزایش فشارهای تحریمی و نیاز کشور به تأمین سریع کالا، دستگاه‌های تجاری به ویژه وزارت صمت و گمرک خواستار تسهیل استاندارد‌ها و کاهش الزامات سخت‌گیرانه شده‌اند. در مقابل اما سازمان ملی استاندارد تأکید می‌کند که بسیاری از کالاهای بدون کنترل کیفی وارد می‌شوند، استاندارد‌های میدا قابل اتکا نیستند و کاهش سخت‌گیری می‌تواند به تهدید سلامت مصرف‌کننده منجر شود. همین تفاوت رویکرد، شکاف جدی میان نهاد ناظر بر کیفیت و نهاد‌های متولی تجارت ایجاد کرده است.

◀ **اختلاف اصلی بر سر چیست؟**

سازمان استاندارد معتقد است؛ برخی شاخص‌های کیفی به ویژه در حوزه‌های الکتریکی، ایمنی، آلاینده‌گی، مصرف انرژی و مواد اولیه باید بدون کمترین انعطاف اجرا شود. در مقابل، دستگاه‌های تجاری می‌گویند برخی از این شاخص‌ها، با استاندارد‌های بین‌المللی همخوان نیست، هزینه‌های آنها برای واردکنندگان بسیار بالاست و سرعت تأمین کالاهای ضروری را کاهش می‌دهد.

سازمان استاندارد بسیاری از گروه‌های کالایی را مشمول استاندارد اجباری می‌داند اما وزارت صمت می‌گوید باید برای کالاهای استراتژیک – به خصوص در زمان کمبود – «استاندارد کفایت شد» از کشور مبدأ پذیرفته شود. همچنین دستگاه‌های تجاری بر کنترل‌های پس از ترخیص تأکید دارند، در حالی که سازمان استاندارد معتقد است کنترل پس از ورود ریسک کالاهای غیراستاندارد را افزایش می‌دهد. سخت‌گیری در مسیر رسمی، برخی واردکنندگان را به سمت مسیرهای غیررسمی سوق می‌دهد.

در واقع اگر بخواهیم به‌طور خلاصه بگوییم موضع سازمان استاندارد بر چرند محور استوار است؛ «سلامت مردم خط قرمز است»، «برخی واردکنندگان به دنبال دور زدن مقررات‌اند»، «بسیاری از اسناد خارجی قابل اعتماد نیست»، به همین دلیل، عقب‌نشینی از الزامات کیفی را خطرناک توصیف می‌کند. اما موضع سیاستگذار تجاری این است که سخت‌گیری بیش از حد تجارت را مختل کرده است، برخی شاخص‌ها غیر واقعی یا قدیمی‌اند و اینکه استاندارد باید با نیاز بازار و شرایط کشور همسو شود. این دو نگاه یعنی «کیفیت مطلق» در برابر «تأمین بازار» دیوار اختلاف را مستحکم میان دو نهاد نگه داشته که در نهایت یکی از نتایج این تعارض توقف‌های طولانی کالار در کمربات بوده است.

◀ **پیشنهادهایی برای خروج از بن بست**

کارشناسان حوزه تجارت و استاندارد معتقدند برای کاهش تنش‌ها باید برخی اقدامات در دستور کار قرار گیرد؛ در این ارستان تشکیل «شورای عالی استاندارد‌های تجاری» می‌تواند کمک‌کننده باشد. شورایی مشترک میان سازمان استاندارد، وزارت صمت، گمرک و تشکل‌های بخش خصوصی که شاخص‌ها، فهرست کالاهای پرخطر و استاندارد‌های اجباری و تسهیل‌شده را تعیین کنند. همچنین یکپارچه سازی سامانه‌ها می‌تواند منجر به ایجاد یک بانک اطلاعات واحد استاندارد شود.

◀ **جمع‌بندی**

اختلاف میان سازمان ملی استاندارد و دستگاه‌های تجاری در موضوع استاندارد کالاهای وارداتی، امروز به یکی از چالش‌های جدی تجارت خارجی کشور تبدیل شده است. این اختلاف‌ها ریشه در فقدان یک متولی واحد، ضعف نظام ارزیابی ریسک و هم‌پوشانی وظایف دارد. نتیجه آن، افزایش زمان ترخیص، رشد قاچاق، افزایش هزینه مبادله و بی‌ثباتی در بازار است. کارشناسان معتقدند تنها با همسوسازی سیاست‌ها، یکپارچه‌سازی ساختارها و پذیرش استانداردهای بین‌المللی می‌توان این بحران را کنترل کرد و مسیر تجارت رسمی را کوتاه، شفاف و پایدار ساخت.

اخبار

جراقیمت تخم‌مرغ جهش کرد؟

افزایش قیمت تخم‌مرغ در هفته‌های اخیر، این کالای پروتئینی پایه را به یکی از بحث‌برانگیزترین اقلام غذایی در بازار ایران تبدیل کرده است. بر اساس بررسی‌های میدانی، قیمت شانه ۳۰ عددی تخم‌مرغ، اکنون در بسیاری از نقاط کشور از مرز ۲۵۰ هزار تومان عبور کرده است. این جهش قیمتی که فاصله معناداری با نرخ مصوب ۱۸۴ هزار تومانی دارد، از نگاه فعالان صنعت، نتیجه هم‌زمان فشارهای ساختاری، ناکارآمدی توزیع، نوسانات ارزی و تغییرات فصلی در تولید است.

مرداران در ماه‌های گذشته با کمبود و گرانی شدید نهاده‌های اصلی همچون ذرت و کنجاله سویا مواجه بوده‌اند. این نهاده‌ها که سهم عمده‌ای در هزینه تولید تخم‌مرغ دارند، با تاخیر در سامانه‌های دولتی عرضه شده‌اند یا اصلاً به‌دست تولیدکنندگان نرسیده‌اند؛ همین امر آنها را به خرید نهاده از بازار آزاد با قیمت‌های چندبرابری مجبور کرده است. در کنار این مشکل زیرساختی، نوسانات نرخ ارز نیز فشار مضاعفی بر تولید وارد کرده است. بخش مهمی از نهاده‌های وارداتی است و تورم عمومی، هزینه حمل‌ونقل، نگهداری، انرژی و دستمزد را به شکل قابل توجهی افزایش داده است. در چنین شرایطی، تولیدکنندگانی می‌گویند قیمت واقعی تمام‌شده تخم‌مرغ با نرخ‌های مصوب دولت همخوانی ندارد و اختلاف میان قیمت تمام‌شده و نرخ مصوب به سود دلالت و واسطه‌ها ختم شده است.

گزارش‌های میدانی از سطح شهر نیز این شکاف قیمت را تأیید می‌کند. مشاهدات در تهران، نشان می‌دهد تخم‌مرغ به صورت دان‌های بین ۷ تا ۹ هزار تومان عرضه می‌شود و فروشندگان اعلام کرده‌اند «قیمت هر بار که بر جدید می‌آید بالا می‌رود و هیچ‌سک نمی‌داند سقف این افزایش کجاست. بسیاری از فروشندگان علت آوج‌گیری قیمت «راکاشش عرضه» و «بی‌ثباتی بازار» عنوان می‌کنند. از سوی دیگر، کارشناسان صنعت طیور به یک عامل فصلی نیز اشاره می‌کنند: کاهش طبیعی تولید در فصل سرما. با کوتاه شدن روزها و افت دمای محیط، تخم‌گذاری مرغ‌ها کاهش می‌یابد و این روند در سال‌های مختلف تکرار شده است. ترکیب این کاهش عرضه با افزایش هزینه تولید، زمینه جهش نرخ را تشدید کرده است. پیامد این وضعیت، فشار معیشتی مستقیم بر خانوارهاست. تخم‌مرغ که تا همین یک سال پیش در سبد پروتئینی خانواده‌های کم‌درآمد نقش داشت، اکنون در دست‌های گزارش‌های اقتصادی «کالایی نسبنا لوکس» توصیف می‌شود. کارشناسان تغذیه هشدار می‌دهند که کاهش دسترسی به پروتئین ارزان می‌تواند پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای امنیت غذایی خانواده‌ها ایجاد کند و آنها را به مصرف غذاهای کم‌ارزش‌تر از نظر تغذیه‌ای سوق دهد. با وجود این شرایط، مسئولان وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرده‌اند که برنامه‌هایی برای ساماندهی بازار در دست گرفته شده است. از جمله این برنامه‌ها تأمین فوری نهاده‌ها، افزایش نظارت بر زنجیره توزیع و گسترش بسته‌بندی شفاف و شناسنامه‌دار تخم‌مرغ عنوان شده است. اقتصاددانان نیز بر ضرورت اصلاح ساختار توزیع و کاهش نقش واسطه‌ها در بازار تأکید دارند و معتقدند تنها در صورت کاهش هزینه تولید و ایجاد شفافیت در توزیع است که می‌توان به بازگشت نسبی قیمت‌ها امیدوار بود. در مجموع، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، مدیریتی و فصلی دست به‌دست هم داده‌اند تا تخم‌مرغ به یکی از پرحالش‌ترین کالاهای خوراکی ماه‌های اخیر تبدیل شود. اگر به‌یست نهاده‌ها بر طرف نشود، فشار تکرار جدی‌تر نشود و ساختار توزیع اصلاح نگردد، روند افزایشی قیمت احتمالاً ادامه خواهد داشت؛ مسأله‌ای که می‌تواند تأثیر عمیقی بر سفره خانوارهای ایرانی بگذارد.

محمد مرادی – مدیرعامل اتحادیه مرکزی مرغداران میهن – در گفت‌وگو با ایسنا درباره دلایل افزایش اخیر قیمت تخم‌مرغ اظهار کرد:

قیمت تخم‌مرغ غیرمنطقی بالا نرفته است.

در نیمه نخست سال، تولیدکنندگان در برخی مقاطع از ۷۰ الی ۸۰ درصد و به‌طور میانگین ۵۰ درصد قیمت تمام‌شده محصول خود را عرضه می‌کردند. همین موضوع سبب شده اکنون تصور شود قیمت‌ها ناگهان افزایش یافته، در حالی که بهای تمام‌شده همان زمان نیز بسیار بالاتر بود. مرادی توضیح داد: در تابستان قیمت تمام‌شده هر کیلو تخم‌مرغ حدود ۸۰ هزار تومان بود. امروز اگر قیمت به حدود ۸۸ هزار تومان رسیده، تنها حدود ۱۰ درصد بالاتر از بهای تمام‌شده قبلی است. او گفت: افزایش‌های اخیر اساساً نرخ فعلی نهاده‌ها محاسبه کنیم، بهای تمام‌شده بسیار بالاتر خواهد بود. وی تأکید کرد: مشکلات تأمین نهاده، همچنان مهم‌ترین عامل نگرانی تولیدکنندگان است و این بی‌نظمی اگر ادامه پیدا کند، ممکن است فاجعه رقم بخورد.

مدیرعامل اتحادیه مرکزی مرغداران میهن در پاسخ به پرسشی درباره وعده و وزیر جهاد کشاورزی و رئیس‌جمهور برای تأمین به‌موقع نهاده‌ها گفت: اقداماتی انجام شده، اما تأثیر عمده و ملموسی برای تولیدکننده نداشته است. حتی اگر تأمین ارز و سایر اقدامات به‌درستی انجام شده باشد، باز هم زمان می‌برد تا بازار به شرایط عادی برگردد. امروز که صحبت می‌کنیم، شرایط همچنان مناسب نیست.